



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۲ Summer ۲۰۲۲

وضعیت فقهی - حقوقی تاجر ورشکسته صادر کننده چک در دوران توقف،

طبق مقررات ورشکستگی و قانون صدور چک

حسن محمدی رمقانی^۱ علی قره باغی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

طبق مواد ۳ و ۱۰ قانون صدور چک در صورتی که چک بی محل باشد و یا با وجود محل - جز در مورد ماده ۱۴ قانون صدور چک، که به صادر کننده یا ذینفع، در موارد خاصی اجازه دستور عدم پرداخت وجه داده شده است - با عدم پرداخت مواجهه شود، صادر کننده به مجازات ذکر شده در ماده ۷ قانون صدور چک محکوم می شود، اما در صورت ورشکستگی صادر کننده با وجود عدم ذکر در ماده ۱۴ ق.ص.چ، امکان دارد، مدیر تصفیه به بانک دستور مسدود نمودن حساب بانکی تاجر دهد، که در این صورت، با مراجعه دارنده چک به بانک با عدم پرداخت مواجهه می شود. از طرف دیگر امکان دارد که چک در دوران توقف صادر و به پرداخت منتهی شود، که در این صورت امکان قابل تعقیب بودن تاجر ورشکسته صادر کننده چک در دوران توقف طبق بند ۴ ماده ۵۴۱ ق.ت. وجود دارد. در واقع بحثی که پیش می آید، این است که در صورتی که چک صادره توسط تاجر ورشکسته، بعد از توقف با پرداخت مواجهه شود، امکان تعقیب صادر کننده طبق مقررات ورشکستگی وجود دارد، که همین بحث در مورد وضعیت حقوقی پذیرش دین بر ذمه توسط تاجر ورشکسته در فقه مطرح می باشد و بحث دیگر اینکه در صورت عدم پرداخت امکان تعقیب وی طبق قانون صدور چک وجود دارد یا خیر، در این مقاله با توجه به موارد مذکور سعی شده است، وضعیت حقوقی چنین تاجری در فقه و طبق مقررات ورشکستگی و مقررات صدور چک مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: دوران توقف، صدور چک، تاجر ورشکسته

مقدمه

به موجب ماده ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که به معاملات تجاری می پردازد؛ ولی در صورتی که معلوم شد چه کسی تاجر است، از طریق معاملاتی که انجام می دهد، طبق ماده ۳ همان قانون، تقریباً کلیه معاملاتی که جهت رفع حوائج تجاری باشد، تجاری است. (اسکینی، ۱۳۸۲، ص. ۵۷) طبق ماده ۱۲ همان قانون در صورتی که در تأدیه وجوهی که به عهده تاجر وجود دارد، وقفه ایجاد گردد، ورشکسته محسوب می گردد. در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر نمی تواند در اموال خود تصرف نماید و وقفه در پرداخت دیون تاجر ممکن است، مدت ها قبل از صدور حکم ورشکستگی باشد، که در واقع از همان زمان تاجر متوقف محسوب می گردد و از زمان توقف تا صدور حکم را دوران توقف می نامند و تاجر ممکن است در این دوران اعمال حقوقی مختلفی انجام دهد. قانون به معاملات تاجر در این دوران با تردید نگرسته و بعضی از معاملات تاجر در این دوران باطل اعلام کرده است، که در ماده ۲۳ ق.ت ذکر شده است. یکی از اعمال حقوقی که ممکن است، تاجر در این دوران انجام داده باشد، صدور چک می باشد،^۱ طبق ماده ۳ قانون صدور چک در صورتی که چک بی محل باشد و یا با وجود محل، جز در موارد ذکر شده در ماده ۴ قانون صدور چک - که به صادر کننده اجازه دستور عدم پرداخت وجه داده شده است - با عدم پرداخت مواجه شود، صادر کننده به مجازات ذکر شده در ماده ۷ قانون صدور چک محکوم می شود، اما در صورت ورشکستگی صادر کننده با وجود عدم ذکر در ماده ۱۴ ق.ص.ج، امکان دارد، چک با عدم پرداخت مواجه شود. سؤالی که قابل طرح می باشد، این است که وضعیت حقوقی چنین تاجری طبق مقررات ورشکستگی در صورت پرداخت و یا عدم پرداخت وجه چک چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید وضعیت معاملات تاجر ورشکسته و وضعیت حقوقی چک صادر شده در دوران توقف مورد بررسی قرار گیرد با توجه به ماده ۴۲۳ ق.ت. اعمال حقوقی تاجر در دوران توقف در صورتی که به زیان طلب کارها باشد (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۷، ص. ۱۲۵) باطل، در غیر این صورت نباید باطل باشد، و صدور چک هم در دوران توقف در صورتی که به زیان طلب کارها باشد، باید باطل باشد، ولی در غیر این صورت نباید باطل باشد. مواردی که تاجر طبق مقررات ورشکستگی قابل تعقیب می باشد، در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت ذکر شده است، باید بررسی شود که صدور چک در دوران توقف جزء مواردی که تاجر قابل تعقیب می باشد است یا نه، با توجه به این مواد، فرضی که به نظر می رسد، صحیح تر باشد، این است که تاجر ورشکسته به صرف صدور چک در دوران توقف قابل تعقیب نباشد، ولی در صورتی که به پرداخت منتهی شود، پرداخت باطل می باشد و صادر کننده نیز طبق بند ۴ ماده ۵۴۱ ق.ت. ورشکسته به تقصیر شناخته می شود. اما سؤال اصلی دیگری که مطرح است، این است که آیا تاجر ورشکسته ای که در دوران توقف چک صادر می کند و این چک به دلیل ورشکستگی با عدم پرداخت مواجه می شود، طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری می باشد یا نه؟ فرضی که ابتدا به نظر می رسد، این است که صادر کننده ی چک را ملاک م^{۱۰} قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری بدانیم. ولی این با قاعده تفسیر به نفع متهم در تعارض می باشد، ولی با یک تفسیر دقیق تر می توان گفت که تاجر

۱. قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ و اصلاحات مصوب ۱۳۸۲/۶/۲

صادر کننده چک در دوران توقف فقط در صورتی که یک چک بی وعده صادر کند و به هر دلیلی جز موارد مذکور در ماده ۱۴ قانون صدور چک با عدم پرداخت مواجه شود و مراجعه دارنده ظرف مهلت مشخص شده، به محال علیه و دادگاه باشد، طبق ماده ۷ ق.ص.ج قابل تعقیب کیفری می باشد.

بنابراین مطالب مطرح شده در دو مبحث: مبحث اول: وضعیت چنین تاجری طبق مقررات ورشکستگی و در مبحث دوم: وضعیت چنین تاجری طبق قانون صدور چک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبحث اول: وضعیت اعمال حقوقی تاجر در دوران توقف و تأثیر آن بر قابلیت تعقیب تاجر در فقه و مقررات ورشکستگی برای بحث در رابطه با تأثیر اعمال حقوقی تاجر ورشکسته، مخصوصاً صدور چک، بر امکان تعقیب چنین تاجری در ابتدا باید، وضعیت حقوقی معاملات دوران توقف از جمله چک صادر شده در دوران توقف بررسی گردد، تا وضعیت حقوقی چنین تاجری دقیقاً مشخص شود، بدین منظور این مبحث، در دو گفتار، گفتار اول، وضعیت حقوقی اعمال حقوقی تاجر ورشکسته با تأکید بر وضعیت حقوقی چک صادر شده در این دوران و گفتار دوم به امکان تعقیب تاجر ورشکسته صادر کننده چک در این دوران طبق مقررات ورشکستگی مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار اول: حدود اهلیت تصرف مالی مفلس (ورشکسته) در فقه

علامه حلی حجر را به دو قسم تقسیم می نماید، یکی به دلیل رعایت مصر غیر و دیگری به دلیل رعایت مصلحت خود محجور می باشد، حجر مفلس به دلیل رعایت حق طلبکاران دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۲) به نظر می رسد حجر مفلس به دلیل حجر سوء ظنی و به دلیل حفظ حقوق جامعه و دیان است، لذا مفلس آن بخش از اهلیت که برای طلبکاران ضرری است از دست خواهد داد.

بند اول: وضعیت تصرفات مفلس در دوران توقف

برخی فقها نظر بر این دارند که زمانی که شخصی مفلس شد و خود علم به افلاس یافت و قبل از آنکه اموالش را حاکم بین غرما تقسیم نماید، اگر به از بین بردن اموال خود از طریق انتقال غیر معوض اقدام نماید، کلیه تصرفات باطل می باشد. زیرا این اقدام تصرف در مال غیر است. (اسکافی، ۱۴۱۶، ۵، ۴۵۴) که از ماده ۲۳ قانون تجارت نیز همین موضوع را می توان احراز نمود، که صرفاً معاملات بلاعوض و هر نوع پرداخت که باعث ترجیح یکی از طلبکاران بر دیگران گردد،

باطل می باشد و به عبارتی معاملات غیر معوض در دوران توقف صحیح نیست، و معاملات معوض صحیح می باشد.

بند دوم: وضعیت تصرفات مفلس پس از اعلان افلاس

بحثی که در این بند باید بررسی گردد، این است که وضعیت حقوقی معاملات تاجر پس از اعلام مفلس بودن توسط حاکم در فقه به چه نحوی می باشد. که می بایست نظرات فقها در مورد وضعیت معاملات تاجر پس از مفلس شدن، بررسی گردد.

بنا بر نظر مشهور فقها، هر گونه تصرف مفلس پس از صدور حکم باطل است، شیخ طوسی نیز هر نوع تصرف مفلس را باطل دانسته (مبسوط، ۱۳۷۸ ه. ق، ۲، ۲۷۲) علامه حلی نیز با ذکر نظریه ی شیخ طوسی، تصرفات مفلس را مطلقاً باطل دانسته است. اما معتقد است که چنانچه تصرف تاجر متوقف به تقسیم اموال باشد و بقیه اموال کفاف تادیه دیون داشته باشد، تصرفات مفلس نافذ خواهد بود و گرنه تصرفات او باطل خواهد بود (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۵۲) مثلاً شهید ثانی در تبیین نظرات شهید اول هر گونه تصرف مفلس را در اعیان اموال، اعم از آنکه تصرفات معوض یا غیر معوض باشد، ممنوع دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۱۲) با بررسی نظرات فقها به این نتیجه می‌رسیم که همه ی فقها، تصرفات مالی مفلس را باطل می‌دانند، اما پذیرش دین در ذمه را اصولاً باطل ندانسته اند و یا به عبارتی در این موضوع سکوت اختیار کرده اند، اما با توجه به پذیرش " اصل کلی ضرری بودن برای طلبکاران " می‌تواند پذیرفت در صورت پذیرش دینی در ذمه، که ضرری برای طلبکاران نداشته باشند، صحیح می‌باشد.

گفتار اول: وضعیت اعمال حقوقی تاجر در دوران توقف با تأکید بر وضعیت حقوقی چک صادر شده در این دوران

وضعیت معاملات دوران توقف در ماده ۴۲۳ قانون تجارت^۱ ذکر گردیده، که طبق این ماده برخی از معاملات تاجر در این دوره باطل اعلام شده است. و به معاملات قابل فسخ و غیر نافذ اشاره ای نشده است. همچنین این ماده فقط معاملات بلاعوض تاجر در دوران توقف را باطل می‌داند، پس معاملات معوض تاجر نباید باطل باشد. پس اگر تاجر در دوران توقف فرضاً یک اتومبیل خود را به مشتری بدهد و یک باغ به عنوان ثمن دریافت کند، این معامله طبق ماده ۴۲۳ نباید باطل باشد. مگر اینکه شرایط قابل فسخ بودن ملاک م ۴۲۴ ق.ت وجود داشته باشد، که برای فرار از ادای دیون یا برای اضرار به طلب کارها معامله نموده و متضمن ضرری، بیش از ربع قیمت حین معامله بوده، قابل فسخ می‌داند، در دوران توقف به طریق اولویت چنین معامله ای را قابل فسخ بدانیم. پس در صورت صحیح بودن این معامله، باید معامله معوض دیگر تاجر که اتومبیل می‌خرد و در برابر وجه نقد یا چک می‌دهد، باید صحیح باشد و در صورتی که این مورد را باطل بدانیم، باید فروش اتومبیل در برابر باغ نیز باطل بدانیم، چون نسبت به هر ۲ تأدیه ی قرض مندرج در بند ۲ م ۴۲۳ ق.ت قابل انطباق است. البته تنها توجیهی که می‌تواند داشته باشد، این است که معاملات معوض تاجر نیز درست است که باطل نیست و صحیح می‌باشد. ولی در صورتی که طرف مقابل عوض را دریافت کرده باشد، طبق بند ۲ م ۴۲۳ ق.ت باید به غرماً برگرداند، یعنی در واقع معامله درست و صحیح، ولی پرداخت باطل می‌باشد. چون بند ۲ این ماده عام است و کلیت دارد و هر موردی را شامل می‌شود و تأدیه قرض حال، مؤجل و به هر وسیله ای که پرداخت شده باشد، باید به غرماً برگردانده شود و اینکه آیا طرف معامله جزء غرماً قرار می‌گیرد یا نه، به نظر می‌رسد چون معاملات معوض صحیح می‌باشد، باید طرف معامله جزء غرماً قرار گیرد و برعکس معاملات غیر معوض چون به طور کلی باطل می‌باشد، طرف

۱. ماده ۴۲۳: "هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر است: ۱- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول باشد یا غیر منقول باشد.

۲. تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل هر وسیله ای که به عمل آمده باشد ۳- هر معامله ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلب کارانه ای انجام شود."

معامله حتی جزء غرما نیز قرار نمی گیرد. پس به عنوان نتیجه می توان بیان داشت، معاملات یا اعمال حقوقی تاجر در دوران توقف، یا منطبق با یکی از موارد ذکر شده در ماده ۴۲۳ می باشد، که در این صورت باطل، یا شرایط ماده ۴۲۴ ق.ت را دارد، که قابل فسخ و یا اینکه شامل هیچ یک از این مواد نمی شود، که در این صورت باید صحیح تلقی شود. حال باید بررسی شود که عمل حقوقی صدور چک در این دوران چه وضعیتی دارد. معاملات باطل تاجر با در نظر گرفتن م ۴۲۳ ق.ت مشخص می شود^۱ بنابراین معاملات محکوم به بطلان تاجر پس از توقف معاملاتی است، که اولاً در ماده ۴۲۳ ذکر شده و ثانیاً با استفاده از ماده ی ۴۲۴ و ۴۲۶ و تنقیح مناط و قیاس اولویت معاملاتی است که با علم و اطلاع متعامل به توقف بارزگان و به ضرر بستانکاران انجام گیرد و یا صوری و مسبوق بر تبانی باشد (کاتبی، ۱۳۷۹، ۳۰۸)

برای باطل دانستن آن باید آن را مورد شمول ماده ی ۴۲۳ ق.ت بدانیم، با توجه به این ماده روشن می شود که علت بطلان اعمال حقوقی ذکر شده در ماده ی مذکور زیان طلب کاران است، یعنی هر عمل حقوقی که از تاجر به زیان غرما باشد، باطل است. حال باید ببینیم که آیا صدور چک جزء اعمال حقوقی ذکر شده در این ماده می باشد که به زیان غرما باشد، که باطل باشد. "به نظر می رسد در صورتی که تاجر ورشکسته در دوران توقف به یکی از طلب کاران خود چک بدهد، مشمول بند ۲ م ۴۲۳ ق.ت که بیان می دارد «... تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد» باشد. و پرداخت قرض به وسیله چک منطبق با این بند باشد، و صدور چک در دوران توقف در صورتی که در قبال دین داده شده باشد، باید باطل باشد.

طبق این بند تاجر باید در دوران توقف از پرداخت بدهی های خود خودداری کند، تا وضع دارایی او معلوم شود و به نسبت بین طلب کاران تقسیم شود و اگر طلب بعضی از طلب کاران را تماماً پرداخت نماید، اصل تساوی بین طلب کاران را رعایت نکرده و اگر دارایی تاجر پرداخت کلیه دیون او را کفایت نکند، حق طلب کارانی که کلیه حقوق خود را دریافت نکرده اند، تضییع می گردد، پس مطابق بند ۲ م ۴۲۳ ق.ت تأدیه قروض در زمان توقف باطل و بلااثر است. چون تأدیه دین بعضی از طلب کاران موجب ترجیح آن ها نسبت به طلب کاران دیگر می شود و این با اصل تساوی حقوق طلب کاران منافات داشته و سبب اضرار آن ها می شود. هم چنین، عبارت بند ذکر شده، عام است و تصور هر نوع استثنایی را غیر مقدور می سازد. لذا کلیه قروض ورشکسته اعم از اینکه حال باشد یا مؤجل و یا عادی باشند یا موثق و مربوط به معاملات تجاری باشند یا غیر تجاری مشمول حکم بطلان خواهند بود و عبارت به هر وسیله ای در ماده ی مزبور نشان می دهد که شکل پرداخت نیز مهم نیست و تاجر قرض خود را چه نقداً و چه به وسیله ی حواله و برات یا سفته و یا چک و سایر اسناد و اوراق بهادار یا به وسیله ی تبدیل تعهد و انتقال طلب، پرداخت نماید، مشمول همین حکم می باشد. (اسکینی، ۱۳۸۶، ۳۴۵).

۱. هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر است. الف- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول باشد یا غیر منقول ب- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل هر وسیله ای که به عمل آمده باشد ج- هر معامله ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلب کارانه ای انجام شود.

البته این نظر قابل قبول به نظر نمی رسد، و باتوجه به عبارت تأدیه در بند ۲ م ۴۲۳ و عدم پذیرش تئوری انتقال محل در خصوص اسناد تجاری در قانون ما، می توان گفت، در مورد اسناد تجاری در صورتی باطل است، که منتهی به پرداخت شده باشد و در این صورت پرداخت باطل، و نتیجه بطلان، تأدیه مقرر در بند ۲ ماده ی ۴۲۳ ق. ت این است، که طلب کارانی که طلب خود را در دوره توقف دریافت کرده اند، باید آن را مسترد نمایند و برای وصول آن در غرما داخل شوند، ولی به نظر نمی رسد که صرف صدور چک منطبق با بندهای م ۴۲۳ ق. ت باشد، چون صرف صدور چک در دوران توقف، هیچ زیانی نسبت به غرما ندارد و هیچ حقی از آن ها ضایع نمی شود، و صرفاً با صدور چک ذمه تاجر مشغول می شود و نمی توانیم صدور چک را باطل بدانیم. البته صدور چک در دوران توقف در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر، با عدم پرداخت مواجه می شود و نباید پرداخت شود و اگر هم چکی در دوران توقف صادر و در همان موقع به دلیل عدم صدور حکم ورشکستگی و مسدود نبودن حساب تاجر پرداخت شده باشد، دارنده آن باید مبلغ دریافتی را به مدیر تصفیه برگرداند و خود نیز حتی جزء غرما قرار نمی گیرد، ولی صدور چک باطل نمی باشد و دارنده چک نیز بعد از اینکه تاجر ورشکسته بدهی غرما را کامل پرداخت، می تواند برای دریافت وجه چک به تاجر مراجعه کند، البته این دلیل بر این نیست که تاجر ورشکسته ای که در دوران توقف چک صادر کرده، و به دلیل ورشکستگی صادر کننده با عدم پرداخت مواجه شده، طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری نباشد، که در جای خود بررسی می شود.

گفتار دوم: تأثیر عمل حقوقی صدور چک در دوران توقف بر قابلیت تعقیب تاجر ورشکسته

قانونگذار برای جلوگیری از ترجیح دادن یکی از طلب کاران نسبت به سایرین و پرداخت طلب او در دوره توقف از سوی تاجر ورشکسته ضمانت اجرایی شدید را معین نموده و بر اساس ماده ی ۵۴۱ ق. ت بند ۴ مقرر داشته که تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود:

۴- اگر یکی از طلب کاران را پس از توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد. "چنانچه ملاحظه می شود، ق. ت در ماده ی مذکور، بعضی از اعمال و اقدامات تاجر را رسماً تقصیر محسوب و دادگاه ملزم است، در صورت تشخیص چنین اعمالی، حکم ورشکستگی به تقصیر تاجر ورشکسته را صادر نماید. و در مورد پرداخت طلب یکی از طلبکاران در دوران توقف نیز دادگاه اختیار ندارد، که حسن نیت یا سوء نیت تاجر ورشکسته را در نظر بگیرد و به محض احراز آن، دادگاه موظف است، تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلان و مجازات او را تعیین نماید.

عمل حقوقی صدور چک، چه تأثیری بر تعقیب تاجر دارد؟ تاجر ورشکسته ممکن است، در چند حالت چک صادر کند (کرده باشد) که به تفکیک بررسی می شود.

۱- در صورتی که تاجر چکی صادر کند و تاریخ مندرج در آن و تاریخ واقعی صدور آن قبل از تاریخ توقف باشد، ولی دارنده در تاریخ مندرج در چک به بانک مراجعه نکند و حکم ورشکستگی تاجر صادر شود و همان طور که گفته شد تاریخ توقف تاجر بعد از تاریخ مندرج در چک باشد. در این مورد باید بررسی شود که آیا دارنده چک دارای حقوق ممتاز می باشد یا نه و حالتی دیگر

که باید بررسی شود، این است که آیا تاجر، با وجود اینکه دارنده در تاریخ مندرج در آن یعنی قبل از توقف مراجعه نکرده، ولی بعد از توقف مراجعه کرده و بانک به او مبلغ را پرداخته مسئولیت دارد یا نه؟ در صورتی که دارنده مراجعه به بانک نکند تا حکم ورشکستگی تاجر صادر شود و بعد به بانک مراجعه کند، مسلماً با عدم پرداخت مواجه می شود، اما در رابطه با پرداخت وجه چک وجه در دوران توقف، در کشورهایی که تئوری محل را می پذیرند، چون محل چک موجود بوده و اصل کلی، بر صحت معاملات است و تاریخ حکم ورشکستگی مؤخر بر تاریخ مذکور در متن چک می باشد، پس محل چک جزء دارایی صادر کننده چک محسوب نمی شود و دارنده بدون اینکه داخل در غرمای تاجر ورشکسته شود، می تواند تمام وجه چک را مورد مطالبه قرار دهد. و صادر کننده نیز مسئولیتی ندارد.

ولی در قانون ما که نسبت به تئوری محل ساکت است و با توجه به اینکه مقررات قانون تجارت ما عمدتاً از قانون تجارت سابق فرانسه اقتباس شده و در بسیاری از موارد مواد قانون ما، ترجمه ی صرف مواد سابق آن قانون می باشد و در زمان تدوین قانون ما، مقررات مربوط به محل در قانون تجارت فرانسه وجود داشته، پس به نظر می رسد که تهیه کنندگان قانون ما مصلحت ندیدند، آن مقررات در قانون تجارت ایران راه باید (فخاری، ۱۳۸۷، ۴۹) پس در حقوق ما دارنده چک نسبت به محل، حق انحصاری ندارد و باید جزء غرما قرار گیرد و چنین دارنده ای حتی اگر با حسن نیت باشد نیز دارای حق ممتاز نمی باشد. چون در ورشکستگی اصل بر تساوی حقوق بستانکاران ورشکسته است. مگر آنکه خلاف آن در قانون تصریح شده باشد و چنین نصی جزء در ماده ی ۵۸ قانون تصفیه وجود ندارد و با دقت در این ماده متوجه می شویم که دارنده چک جزء طبقه های مشخص در این ماده نمی باشد و باید جزء طبقه ی پنجم یعنی در ردیف سایر بستانکاران باشد و حال آنکه تخلف بدون دلیل صریح از این قانونی دور از منطق حقوقی و قضایی می باشد.

اما در صورتی که دارنده در زمان توقف به بانک مراجعه کند و مبلغ مندرج در آن را دریافت کند، آیا این دریافت صحیح است یا باطل و آیا تاجر ورشکسته صادر کننده در صورت دریافت مبلغ چک توسط دارنده، دارای مسئولیت کیفری می باشد، به نظر می رسد بند ۲ م ۴۲۳ ق.ت این مورد را نیز بر می گیرد و پرداخت باطل می باشد و دریافت کننده باید مبلغ دریافتی را به مدیر تصفیه برگرداند و چون در هر صورت طلب یکی بستانکاران در دوران توقف پرداخت شده است و بر دیگر بستانکاران ترجیح داده شده است، اما این با انصاف و عدالت سازگار نیست که تاجری که قبل از توقف چکی صادر کرده و حتی پیش بینی نمی کرده که در تاریخ مندرج در چک وقفه در دیون او ایجاد شود، دارای کیفر بدانیم، و ورشکسته به تقصیر نامیده شود، اما در هر صورت یکی از بستانکاران ورشکسته بر دیگران ترجیح داده شده است، و طبق م ۵۴۱ بند ۴ تاجر باید ورشکسته به تقصیر اعلان شود.

اما تاجر چه اقدامی می تواند انجام دهد که وجه این چک پرداخت نشود، با توجه به مواد قانون صدور چک، تنها اقدامی که تاجر برای عدم پرداخت وجه چک می تواند انجام دهد، دستور عدم پرداخت وجه چک می باشد و مواردی که صادر کننده مجاز در دستور عدم پرداخت وجه چک می باشد، در ماده ۱۴۱ ق.ص.چ ذکر شده، و با توجه به این ماده متوجه می شویم که تاجر نمی تواند

به دلیل توقف در پرداخت دیون، درخواست عدم پرداخت وجه چک نماید. در صورت دستور عدم پرداخت نیز بانک به این دستور ترتیب اثر نباید دهد، چون بانک فقط در صورتی که دستور عدم پرداخت صادر کننده، به یکی از دلایل مندرج در ماده ۱۴ قانون صدور چک باشد، به این دستور ترتیب اثر می دهد و ماده ۳ق.ص.چ نیز صادر کننده را از این کار منع کرده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به این استدلال که ماده ۱۴ق.ص.چ موارد الزام بانک به عدم پرداخت وجه چک بنا به تقاضای صادر کننده چک را مشخص و احصاء کرده است، بخشنامه ۴۷۰۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰ بانک مرکزی بر لزوم خودداری بانک محال علیه از پرداخت وجه چک به دارنده آن در صورت تقاضای صادر کننده چک بر اساس ماده ۳ق.ص.چ خارج از حدود اختیارات بانک مرکزی دانسته و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال نموده است.^۱ پس تنها راهی که برای صادر کننده می ماند، این است که وجوه موجود در حساب خود را بردارد و در واقع حساب خود را خالی از وجه کند تا دارنده چک نتواند مبلغ چک را از حساب دریافت کند، ولی باز می بینیم که طبق ماده ۳ق.ص.چ صادر کننده از این کار نیز منع شده است. پس به نظر می رسد که تاجر تنها در صورتی که طبق ماده ۱۳ق.ت ظرف ۳روز از تاریخ وقفه در تأدیه دیون، توقف خود را به دفتر محکمه محل اقامت خود اعلام نموده باشد، باید به دلیل ترجیح یکی از بستانکاران بر دیگران، ورشکسته به تقصیر اعلان شود.

۲- چکی توسط تاجر صادر می شود به صورت وعده دار، مثلاً برای ۸ ماه دیگر، ولی در خلال این مدت به علت وقعه ای که در امور بازرگانی تاجر پیدا شده حکم ورشکستگی تاجر صادر می شود و به علت صدور حکم ورشکستگی حساب تاجر نیز مسدود می شود. در این صورت با مراجعه دارنده چک به بانک، گواهی نامه ای مبنی بر عدم پرداخت (و علت عدم پرداخت) وجه چک صادر و به دارنده آن تسلیم می شود، در این مورد تاریخ مندرج در چک بعد از تاریخ توقف است، ولی تاریخ واقعی صدور چک قبل از توقف می باشد و در صورتی که تاریخ واقعی را تاریخ صدور چک در نظر بگیریم، دارنده چک جزء غرما قرار می گیرد، ولی در صورتی که تاریخ صدور چک را تاریخ مندرج در چک بدانیم، بستگی به این دارد که دارنده چک صادره در دوران توقف را جزء غرما بدانیم یا صدور چک در دوران توقف را باطل بدانیم یا بی اثر ...

۳- تاجر ورشکسته ای که وقفه در دیون او ایجاد شده، یک چک صادر می کند که هم تاریخ واقعی صدور چک و هم تاریخ مندرج در چک در دوران توقف می باشد و بعد حکم ورشکستگی تاجر صادر می شود، این حالت در ۲ فرض قابل بررسی است.

الف- صدور چک در دوران توقف به پرداخت منتهی می شود.

۱. رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری "قانونگذار به شرح ماده ۴ قانون صدور چک موارد الزام بانک محل علیه به عدم پرداخت وجه چک بنا به تقاضای صادر کننده آن را مشخص و احصاء نموده است بنا به مراتب مذکور و اینکه بخشی از مدلول ماده ۳ قانون مزبور مبنی بر منع صادر کننده چک از صدور دستور عدم پرداخت وجه آن به بانک و ضمانت اجرای تخلف از این امر الزاماً متضمن تکلیف بانک محل علیه به اجابت تقاضای صادر کننده چک و امتناع از پرداخت وجه آن به دارنده چک نیست بنابراین بخشنامه ۴۷۰۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مشعر بر لزوم خودداری بانک محال علیه از پرداخت وجه چک به دارنده آن در صورت تقاضای صادر کننده صادر کننده چک بر اساس ماده ۳ قانون مذکور خارج از حدود اختیارات بانک مرکزی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد." رای شماره ۹۰۳/۸۲/۵- ۸/۱۳۸۳/۲۷-۱۷۳۹۸ شماره رسمی ۸/۱۳۸۳/۲۷

در صورتی که چک در دوران توقف صادر شود و به پرداخت منتهی شود، به نظر می رسد که این پرداخت باطل می باشد (طبق بند ۲ م ۴۲۳) و همچنین به دلیل اینکه با صدور چک و دریافت مبلغ آن توسط دارنده ترجیح یکی از طلب کاران آشکار می باشد، مورد شمول بند ۴ م ۵۴۱ قرار می گیرد و تاجر باید به عنوان ورشکسته به تقصیر شناخته شود.

ب- چک در دوران توقف صادر می شود، ولی پرداخت نمی شود.

ولی در صورت عدم پرداخت وجه چک به نظر صحیح نمی رسد، که بتوانیم صرف صدور چک را باطل بدانیم و یا تاجر ورشکسته را صرف صدور چک در دوران توقف ورشکسته به تقصیر بدانیم، چون صدور چک دین بر ذمه تاجر می باشد و قبول دین بر ذمه به نظر نمی رسد باطل باشد. ولی دارنده چک بابت مبلغ چک، نمی تواند جزء غرما قرار گیرد و بعد از اینکه طلب کارها به حق خود رسیدند، می تواند از اموال تاجر ورشکسته مبلغ چک را وصول نماید.

مبحث دوم: تأثیر عدم پرداخت چک به دلیل ورشکستگی صادرکننده بر قابلیت تعقیب ایشان

برای بررسی وضعیت حقوقی چنین تاجری طبق قانون صدور چک، اول باید در رابطه محل چک و مواردی که طبق قانون چک بی محل فرض می شود و ضمانت اجرای صدور چک بی محل و چکی که با عدم پرداخت روبه رو می گردد، بررسی مختصری داشته باشیم. بدین منظور این مبحث را در دو گفتار بررسی میکنیم.

گفتار اول: دستور عدم پرداخت و ضمانت اجرای صدور چک پرداخت نشدنی

" لفظ چک بلا محل در معنی عام خود هر گونه چک غیر قابل پرداخت را در بر می گیرد، اما این اصطلاح در معنی خاص آن، تنها در بر گیرنده چک هایی است، که به دلیل نبودن محل (اعم از نقد یا اعتبار قابل استفاده) غیر قابل پرداخت می باشند." (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ۳۴۳) البته با توجه به اینکه جرم صدور چک بلا محل هم در مواردی ارتکاب می یابد، که محل برای پرداخت وجه چک موجود بوده، ولی بانک بنا به دلایلی از پرداخت وجه خودداری می نماید، لذا بهتر است که این جرم را جرم "صدور چک پرداخت نشدنی" بنامیم." (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ۳۴۴) یکی از مواردی که موجب عدم پرداخت چک و در نتیجه تحقق جرم چک پرداخت نشدنی می گردد، دستور عدم پرداخت توسط صادر کننده می باشد، ماده ۳ قانون صدور چک صادر کننده را از دستور عدم پرداخت منع نموده است، پس صادر کننده نباید جزء در موارد ذکر شده در ماده ۱۴ قانون صدور چک دستور عدم پرداخت وجه چک صادر نماید. البته "بدیهی است که با توجه به قید کلمه "جرائم دیگر" در متن ماده ۱۴، مصادیق و موارد قانونی دستور عدم پرداخت تمثیلی است و مقنن من باب مثال چند جرم را ذکر کرده، بنابراین بوسیله ارتکاب هر جرم دیگری که چک تحصیل گردد، می توان دستور عدم پرداخت صادر نمود." (معینی، ۱۳۷۶، ۴۱)

بند دوم: ضمانت اجرای صدور چک پرداخت نشدنی

"صادر کننده ی چک پرداخت نشدنی، علی الاصول، قابل تعقیب جزائی است: باتوجه به مواد ۳، ۷ و ۱۰ ق صدور چک، صادر کننده به جرم صدور چک بلا محل به شرح ذیل قابل تعقیب جزائی است:

۱- صدور چک بلامحل

قانونگذار در بیان مفهوم بلامحل بودن چک ۲ مورد را پیش بینی کرده است:

الف- در تاریخ مندرج در چک، در حساب صادر کننده وجه نقد نباشد.

ب- اینکه حساب بانکی صادر کننده، مسدود باشد و با این وجود او مبادرت به صدور چک کند، در این مورد صادر کننده هنگامی قابل تعقیب جزائی است که به بسته بودن حساب بانکی خود عالم باشد.^۱ اما در مورد قسمت الف اثبات قصد مجرمانه و سوء نیت صادر کننده الزامی نیست.

۲- دستور عدم پرداخت وجه چک

هر گاه صادر کننده پس از صدور چک دستور عدم پرداخت آن را صادر کند (مگر در موارد مذکور درم ۱۴) و بانک را از پرداخت وجه آن ممنوع کند، مشمول م ۷ قانون صدور چک است و قابل مجازات است.^۲ (اسکینی، ۱۳۸۶، ۲۰۸)

ماده ۷ ق صدور چک نیز در ۳ بند میزان مجازات صادر کننده چک بلامحل با توجه به مبلغ چک تعیین نموده است و در تبصره ذیل همین ماده نیز مجازات این ماده را شامل چک هایی که بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده نمی داند. اما مواردی که چک با وجود بی محل بودن قابل تعقیب کیفری نیست درم ۱۳ قانون صدور چک بیان شده است. پس چک پرداخت نشدنی قابل تعقیب کیفری می باشد، مگر در موارد ذکر شده در م ۱۳ قانون صدور چک و تبصره م ۷ ق صدور چک ویا مواردی که صادر کننده طبق ماده ۱۴ ق.ص.چ مجاز در دستور عدم پرداخت وجه چک شناخته شده است.

گفتار دوم: قابلیت تعقیب صادر کننده چک پرداخت نشدنی به دلیل ورشکستگی صادر کننده، طبق قانون صدور چک موضوعی که در این گفتار باید بررسی شود، ابتدا مواردی است که عدم پرداخت چک برای صادر کننده آن مجازات کیفری به همراه دارد، و در ادامه قابل تعقیب بودن و یا نبودن تاجر ورشکسته ای که در دوران توقف چک صادر می کند و این چک به دلیل ورشکستگی تاجر با عدم پرداخت مواجه می شود. اولین نکته ای که باید ذکر گردد، این است که با توجه مواد ۳ و ۷ ق.ص.چ اصل بر این است که صادر کننده چک بی محل و پرداخت نشدنی قابل تعقیب می باشد، مگر مواردی که طبق م ۱۳ قانون صدور چک با وجود عدم پرداخت وجه چک صادر کننده آن قابل تعقیب کیفری نیست، که به شرح زیر می باشد:

« در موارد زیر صادره کننده ی چک قابل تعقیب کیفری نیست. الف: در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء صادر شده است. ب: هر گاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج: چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د: هر گاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه. در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ صدور چک

۱. م ۱۰ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶

مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد^۱ پس با توجه به بندهای این ماده متوجه می شویم، که در صورتی که چکی توسط تاجر ورشکسته یا هر فرد دیگری صادر شود و یکی از این شرایط را داشته باشد و بلامحل باشد قابل تعقیب کیفری نیست، در غیر این صورت به نظر نمی رسد، که چکی که به دلیل ورشکستگی تاجر با عدم پرداخت مواجه می شود، بتواند فاقد جنبه کیفری باشد، حتی با توجه به م/۱۰ قانون چک، که چکی که با علم صادر کننده آن به بسته بودن حساب خود صادر می شود، در حکم صدور چک بلامحل می داند و صادر کننده ی آن به حداکثر مجازات مندرج در م ۷ قابل مجازات می داند، در مورد ورشکسته ای هم نیز که در دوران توقف چک صادر می کند و چون خود تاجر با این علم که نباید در دارایی خود دخالت کند و با علم به اینکه بر اثر ورشکستگی حساب او مسدود می شود، چک صادر می کند، می توان پذیرفت که چنین صادر کننده ای طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک در صورت اطلاع از توقف خود قابل تعقیب کیفری باشد. البته با توجه به اینکه در قوانین کیفری دو اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم باید رعایت شود، از این تفسیر دست می کشیم، چون اینکه آیا مسدود شدن حساب تاجر به دلیل ورشکستگی به دوران توقف نیز تسری می یابد یا نه خود جای بحث دارد. اما با توجه به اینکه این مورد شامل مواردی که در م ۱۴ صادر کننده مجاز در دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک می باشد، ذکر نشده است، پس نمی توان به این دلیل که با توجه به ماده ی ۴۱۸ ق.ت تاجر از تاریخ صدور حکم از دخالت در تمام اموال خود ممنوع است و اینکه چک با وجودی که دارای محل می باشد، توسط مدیر تصفیه و به دستور ایشان با عدم پرداخت مواجه شده است، تاجر را قابل تعقیب کیفری ندانست، چون هر گاه صادر کننده چک پس از صدور چک دستور عدم پرداخت آن را صادر کرده- مگر در موارد مندرج در م ۱۴ ق صدور چک -و بانک را از پرداخت آن ممنوع کند، مشمول م ۷ ق صدور چک است و قابل مجازات می باشد، در مورد ورشکستگی صادر کننده هم، هر چند مدیر تصفیه دستور عدم پرداخت می دهد و حساب تاجر را مسدود می کند، ولی تاجر سبب این کار بوده و به قائم مقامی از تاجر چنین دستوری می دهد. تاجری که در دوران توقف چک صادر می کند، خود می داند که چنین چکی به دستور مدیر تصفیه با عدم پرداخت مواجه خواهد شد و نمی شود گفت چون تاجر به طور مستقیم چنین دستوری نداده نباید مجازات شود. چون مدیر تصفیه در واقع کارهایی که تاجر می بایست انجام دهد، انجام می دهد. پس ورشکستگی صادر کننده و دستور عدم پرداخت توسط مدیر تصفیه و مسدود شدن حساب صادر کننده به دلیل ورشکستگی از مواردی که صادر کننده طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری نیست، ذکر نشده، پس صادر کننده ای که در دوران توقف چکی بی وعده صادر کرده و دارنده ظرف مهلت به بانک مراجعه کرده، ولی به دلیل ورشکستگی تاجر و مسدود بودن حساب او، با عدم پرداخت مواجه شده، در صورتی که دارنده ظرف مهلت مقرر شکایت کیفری علیه صادر کننده طرح کند، با توجه به اینکه اصل این است که صادر کننده چک پرداخت نشدنی قابل تعقیب کیفری می باشد، مگر در موارد مذکور در ماده ۱۳ ق.ص.ج و تبصره م ۷ ق.ص.ج و با توجه به اینکه عدم پرداخت وجه به

۱. ۱۳ م قانون صدور چک اصلاحی مصوب ۱۳۸۲/۶/۲

دلیل ورشکستگی شامل این موارد نمی باشد، پس تاجر صادر کننده چک در دوران توقف طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری می باشد.

نتیجه گیری

با بررسی مقررات ورشکستگی در فقه و قانون مدنی و همچنین قانون صدور چک، روشن می شود که صرف صدور چک و پذیرش دین بر ذمه در دوران توقف باطل نمی باشد. چون صرف صدور چک یا پذیرش دین بر ذمه در این دوران زبانی به بستانکاران نمی رساند و صرفاً دین بر ذمه ی تاجر صادرکننده می باشد. و تاجر نیز قابل تعقیب کیفری نیست، مگر اینکه تاجر به قصد به تأخیر انداختن ورشکستگی خود چک صادر نماید، که طبق بند ۳ ماده ۵۴۱ ورشکسته به تقصیر شناخته می شود، البته دارنده چنین چکی یا طلبکار نمی تواند جزء غرما قرار گیرد.

اما در صورتی که تاجر ورشکسته در دوران توقف چکی صادر کند و متاهی به پرداخت شود، این پرداخت باطل می باشد و به دلیل ترجیح یکی از طلبکاران بر دیگران از طرف تاجر ورشکسته، چنین تاجری با توجه به م ۵۴۱ ق.ت بند ۴ ورشکسته به تقصیر می باشد و مبلغ پرداختی نیز از دارنده چنین چکی باید اخذ شود و به غرما داده شود، و طبق قانون صدور چک نیز به فرض دارا بودن شرایط، قابل تعقیب کیفری می باشد، البته نه طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک به دلیل مسدود بودن حساب تاجر، و اطلاع تاجر از اینکه، در صورت ورشکستگی، حساب ایشان مسدود و با عدم پرداخت، مواجه می شود. چون قابل مجازات دانستن تاجر طبق این ماده خلاف اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم که اصول پذیرفته شده ای در مقررات کیفری است، می باشد. (همچنین اینکه مسدود شدن حساب تاجر به دلیل ورشکستگی را به دوران توقف تسری دهیم نیز خود جای بحث دارد.) بلکه با توجه به اینکه در قانون صدور چک اصل را بر قابل تعقیب کیفری بودن صادر کننده چک پرداخت نشدنی دانسته و موارد استثنایی را در م ۱۳ ق.ص.چ و تبصره م ۷ ق.ص.چ ذکر کرده، و عدم پرداخت به دلیل ورشکستگی جزء موارد استثناء نمی باشد. پس تاجر ورشکسته صادر کننده چک بی وعده در دوران توقف، که با وجود محل، به دلیل ورشکستگی تاجر با عدم پرداخت مواجه می شود، قابل تعقیب کیفری می باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

الف: کتاب ها

اسکینی، ربیعاً. (۱۳۸۵). حقوق تجارت (برات، سفته، چک...). چاپ دهم. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها .
بی نا. ۱۳۸۳. حقوق تجارت معاملات تجاری. چاپ دهم. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها .
بی نا. ۱۳۸۵. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ دهم. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

انوری پور، سید محسن. (۱۳۵۳). ورشکستگی در حقوق ایران. شماره چاپ؟. تهران. بابک .
جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق. چاپ چهارم. تهران، انتشارات گنج دانش.
راستین، منصور. (۱۳۵۳). مقررات کیفری بازرگانی. چاپ دوم. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
شیوا رضوی، کاظم. (۱۳۴۸) مطالعه تطبیقی گردش چک، شماره چاپ؟. تهران. گیلانسال .
قائم مقام فراهانی، محمد حسین. (۱۳۶۷) حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
معینی، جواد. (۱۳۷۶). بررسی چک پرداخت نشدنی. تهران. انتشارات جنگل.
میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۵). جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران، میزان.

ب : مقالات

صقری، محمد، (۱۳۷۱) راجع به بطلان عملیات دوران توقف و سرنوشت وصول طلب از طریق محاکم و ادارات ثبت، فصلنامه دیدگاهای حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضائی و دمامت اداری، سال اول، شماره اول، بهار.
عرفانی، دکتر محمود، «بطلان معاملات تاجر بعد از توقف، بررسی و نقد رای وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵.
فخاری، امیرحسین (۱۳۸۷) «در صورتی که برات دهنده ورشکسته شود»، مجمع علمی فرهنگی مجد، صص ۲۹-۵۱.

ب: منابع عربی

اسکافی، ابن جنید (۱۴۱۶ه.ق) مجموعه فتاوی ابن جنید، ج اول، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی.
جبلی العاملی، زین الدین (۱۴۱۰ه.ق). الروضه البهیه فی الشرح المعه الدمشقیه. ج ۱، قم، انتشارات داوری.
حلی، حسن بن یوسف (بی تا). تذکره الفقهاء. تهران، انتشارات مکتب الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ه.ق)؛ المبسوط، ج ۳، تهران؛ انتشارات المکتبه المرتضویه لاحیا الآثار الجعفریه.

the legal situation of the bankrupt merchant who has drawn a cheque in the during stops

Abstract

According to article ۳ and ۱۰ of the law of drawing a cheque, the drawer of the cheque should, on the date in (of) the cheque, have money in the bank of the assignee, if not he'll be liable to the punishment stated in the article ۷ of the this law. Sometimes also the payment of the cheque fails, for example, upon sentencing the bankruptcy, the liquidator orders the bank to block the merchant's account; therefore if the holder goes to bank s/he will receive nothing. According to paragraph ۲ of the article ۴۳ of the trade law, it is possible to nullify the check in the during stops, it is also possible to pursue the merchant according to the paragraph ۴ of article ۵۱ of the trade law. According to what was said, the subject of the present paper is the legal situation of the bankrupt merchant who has drawn a cheque in the during stops. To get to this aim, we have to consider the situation of such a merchant from the standpoint of the bankruptcy rules and the rules regarding drawing of a cheque

Keywords: during stop, drawing a cheque, bankrupt merchan

